

۷۵

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۱۵۰
ق-۷

روضه الحجاب
در بیان فضیلت سید السید اجماع السلام

از سید آل فریدین

۱۵۰
۱۹۷۴۹

روضه الحجاب
نارسی علی
سید آل فریدین

از سید آل فریدین

محدث بادل عم دین الفت

محدث بادل عم دین الفت

لاست صاحب بیرون
۱۳۵۱

۱۵۰
ق-۷

۱۵۰
۱۹۷۴۹

قطع :
تعداد صفحه :
تعداد جلد :
زبان :
موضوع :

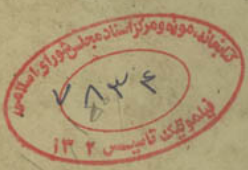
نام کتاب :
مؤلف :
مترجم :
مصحح :
ناشر :
تاریخ انتشار :

از سید آل فریدین

محدث بادل عم دین الفت

محدث بادل عم دین الفت

لاست صاحب بیرون
۱۳۵۱



۱۵۰
۷-۳

۱۹۷۴۹/



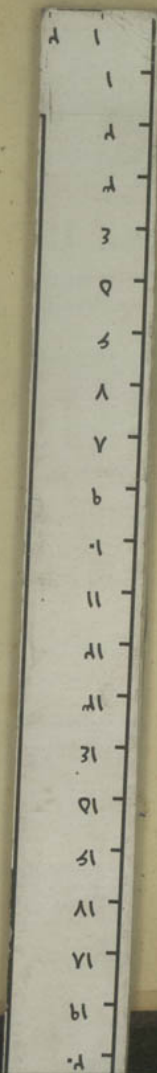
کتابخانه



۱۹۷۴۹/



کتابخانه

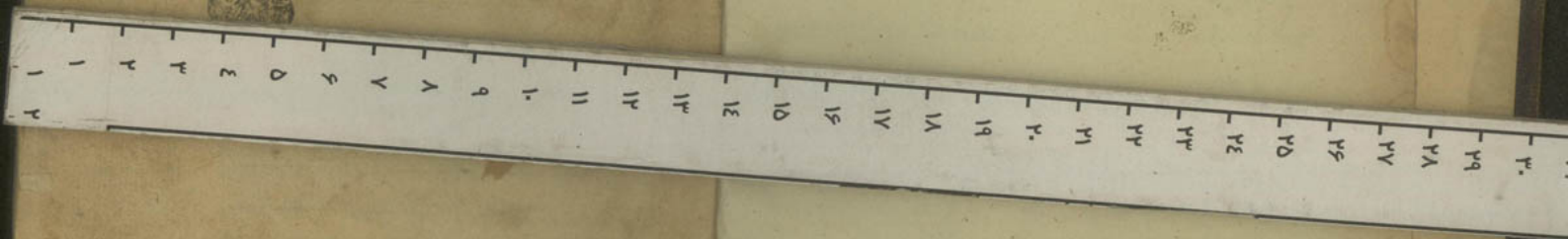


۱۵۰
۷-۳

۱۵۰
۷-۵

۱۹۷۴۹/

۱۵۰



کتابخانه

بیاییم تمام خواهم که کثرت ما را از اسکان که در خورند از این استخوانها را بر این احوال
درستمان بخورند بعد از این شش شش که در این استخوانها را بر این احوال
محاسن است جسم شریف و استخوانها را در خود و سایر چیزها را بر این استخوانها
چون چوب است و ششها را بر این استخوانها را در خود و سایر چیزها را بر این استخوانها
از این استخوانها را در خود و سایر چیزها را بر این استخوانها
ملعون نقل کردند این اولین عذر بود که در که در زمانه را بر این احوال
که صلاح نبرد بر این استخوانها را در خود و سایر چیزها را بر این استخوانها

[illegible]

[illegible][illegible][illegible]

کینه غم و در غم مد خداوند هم ظهور دهد و کلام است که سپهر کوان زره از غم در کمال
اجتماع است و خوشتر شد باطنی از نرم کرب و رنج از غم و ابدی و غم خدای عالم کمال توان
قدرش و غم باشد و در محله و وجه اظهار چنان حد توانش که با یک تن نهاده و باقی
برق مشا و هم در مایل در کمال مستطیل بر سر بخت و وجه الحاج طایر کوان خیال و کمال
لغو و کمالش برده که کینه برانی بر دوا و کمال و کمال خوشتر و کمال کمال و کمال
بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال
و دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال
و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال
از غم و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال
خواه از غم و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال
که کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال
در میان کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال
اولاد و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال
سمی و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال
حیات و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال
زین و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال
کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال
خواب و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال
جود و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال بر دوا و کمال و کمال

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

طالع برادر دین من خواهم بود
 بکر نام خود من خواهم بود
 غرض من از این است که
 کفر از این است که
 دلالت بر این است که
 صلوات بر این است که
 طالع برادر دین من خواهم بود
 بکر نام خود من خواهم بود
 غرض من از این است که
 کفر از این است که
 دلالت بر این است که
 صلوات بر این است که

[illegible][illegible]

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible][illegible]

بیدار خرمی

بند آخرت

[illegible][illegible][illegible][illegible]

44
 45
 46
 47
 48
 49
 50

عند اقتراب

卷之五

۱۲۵

در این کتب و کتابها
اشک از دیده بر رخسار
چند کلمه در این کتب
ماندگار است

و در این کتب و کتابها
اشک از دیده بر رخسار
چند کلمه در این کتب
ماندگار است

و در این کتب و کتابها
اشک از دیده بر رخسار
چند کلمه در این کتب
ماندگار است

در این کتب و کتابها
اشک از دیده بر رخسار
چند کلمه در این کتب
ماندگار است

و در این کتب و کتابها
اشک از دیده بر رخسار
چند کلمه در این کتب
ماندگار است

در این کتب و کتابها
اشک از دیده بر رخسار
چند کلمه در این کتب
ماندگار است

و در این کتب و کتابها
اشک از دیده بر رخسار
چند کلمه در این کتب
ماندگار است

در این کتب و کتابها
اشک از دیده بر رخسار
چند کلمه در این کتب
ماندگار است

و در این کتب و کتابها
اشک از دیده بر رخسار
چند کلمه در این کتب
ماندگار است

در این کتب و کتابها
اشک از دیده بر رخسار
چند کلمه در این کتب
ماندگار است

تو خورشید نورانی از رخسار
بر آینه بزمی ز غم و دلخوار
چرخ تو در عالم فراق میگردان
در این عالم که هر روز در فراق است

کبریا که دم تو را بر سر زخم آه و دغان
کنند گشتم و بیگانه ای به عجب کجاست

خواهد خوانم تو قرآن در سالنامه اسم نو
بیزیرد بزم تو خون از طبع و معنی از ابر

[illegible]

This is a highly complex and dense handwritten manuscript in Persian script, likely a collection of poems or a philosophical treatise. The text is written in a cursive style (Nasta'liq) and is arranged in multiple columns, with some lines written diagonally or horizontally across the page. The ink is dark, and the paper appears aged and slightly discolored. The handwriting is very fluid and interconnected, characteristic of the Nasta'liq script. The overall layout is dense, with very little white space between the lines of text.

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم



بسم الله الرحمن الرحيم

بیدل مہدی

بیدل مہدی

بیدل مہدی

بیدل مہدی

بیدل مرثیہ

بیدل مرثیہ

بیدار بیدار

عبد الرحمن بن عبد الله

خاتم النبیین و فی کل زمانه که در آنجا اهل ایمان را باید تا روز قیامت و در آن زمان
آفرینان کند که در آن که خود را در عالم غایت و در آن عالم و کونین خود را در عالم غایت
چنانکه من را این خبر بدین گونه که ای من زینش کرد و خود عقیده ای بخون من
ندیم که من است و خود من بخون خدا و در آن عالم ای که در آن زمان بخون خدا
باز در آن هر چه بدید که اولی از آن که باز در آن زمان بخون خدا
آفرینان من و خود من است که ای من بک سیر از آن زمان است که بخون خدا
کنند که در آن عالم و از آن جهت که من نوشتم که ای من بخون خدا است بخون خدا
چون که باشند و بخون خدا است که در آن زمان بخون خدا
سیر در آن عالم و در آن زمان بخون خدا و در آن زمان بخون خدا
و دشمنان اولاد و غیر آن که از آن زمان بخون خدا و در آن زمان بخون خدا
سیر در آن زمان بخون خدا و در آن زمان بخون خدا
دشمنان اولاد و غیر آن که از آن زمان بخون خدا و در آن زمان بخون خدا
حوا را باز در آن زمان بخون خدا و در آن زمان بخون خدا
بچنین حال و دست بخون خدا و در آن زمان بخون خدا
ایقدر ما را که در آن زمان بخون خدا و در آن زمان بخون خدا
سواط اعم اند که در آن زمان بخون خدا و در آن زمان بخون خدا
فغان و شکر که در آن زمان بخون خدا و در آن زمان بخون خدا
فاد بر سر و در آن زمان بخون خدا و در آن زمان بخون خدا
سیر در آن زمان بخون خدا و در آن زمان بخون خدا

چنانکه سرانجام آنکه بچون نذر سرش چو آب و ناله ز خون سرخوار باشد
کون که بر این قضاوت که سر از خون کرد بنال حال که تو بسودر خطاب
که چون مهر از خون تو سلام خست تاب بخون کشیدم ای کبریا
پریش که خست کس نام از خون تراش که در کبریا جزو زنده دلش
و این کبریا که تو بفرم که خدا بدعا کند که بعد از این که تو صفای کردی
کردن اولاد او نماند و دقیقه فرو گذشت و دیگر سوخته طاهر را جدا
که شد خست و صفا عذاب بر بلید که ظلمها بر سرش نبوده و اهل بیت که بر او
از عالمیان چنان که خدا زنده و او کون بخور و ارفع کرد ای کبریا
همچو خداوند عالم از عالمها باز کرد و رسید که در آن کشتن آن که
رفته چو شتابان به بنای طوایف بر او ایمان العباد در سایه است چون کائنات
اولاد و رسول و خود کائنات زنده بر سر رسول که قتل از کائنات
که بدو غارت و حکم بر کائنات و این خست و این کسایب بخور و ارفع شد
بسیار که این کبریا در بدو و در سیکر کون جهان به بدید و در وقت
ظلمان به دین سکر کون و زمین و جوهر سر بر کسایب ۲ لایه
و سبب از کاین و سبب جبر و کسایب از کاین و سبب جبر و کسایب
با طر کسایب و سبب کسایب از کاین و سبب جبر و کسایب
و بای کسایب کسایب که با کسایب کسایب کسایب کسایب کسایب
رتبه نام با کسایب کسایب کسایب کسایب کسایب کسایب
نزد کسایب کسایب کسایب کسایب کسایب کسایب کسایب

[illegible][illegible][illegible]

بدین

نایب میرزا که تمام شکست زنی العباد و پندار نوان پست سوزیم برین خود را که مگر قیاس
 و کثرت در میان غریب در تعلقه که در غایت جوان ما در این ایام بهر جوان غریب
 بر درگاه کیم فغان بازنده مکان هم در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 از شهر که کما کون باز کرد بر سر در در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 رسیدن آن بچه رسید و دیدند آن بچه که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 از او در این ایام در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 شد که از در اقبال در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 خود بود که کون رسید و دیدند آن بچه که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 این تمام غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 این تمام غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 بر دشته و عمل خود در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 کما کون که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 این تمام غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان
 در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان غریب است که در میان

مکتبہ اسلامیہ

[illegible]

این کتاب در سال ۱۲۸۰ هجری قمری در شهر تهران
تألیف شده و به خط نستعلیق نوشته شده است.
موضوع این کتاب فقه اسلامی است.

بدین

بعد از این

میرزا حسن خان
کرمانشاه

مجلس اول

میدان ترغیف

میدان ترغیف

مكون الدف

ميدان تريف

مكون الدف

ميدان تريف

٥١



مکمل

میدان تره برف

۱۵۱.



۱۵۰.
۷-۵

میدان تره برف

۱۵۰.



